



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



تاریخچه
مسجد مقدس
جمکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

نویسنده:

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تاریخچه مسجد مقدس جمکران
۶	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۱۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران
۱۸	دعای: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِرَبِّکَ الْعَظِیْمِ
۲۰	تشرف مرحوم شیخ محمدتقی بافقی
۲۵	شفای سرطان پسر بچه ستی حنفی زاهدانی در مسجد جمکران قم
۳۰	شرح ماجرا از زبان مادر نوجوان سرطانی شفایافته
۳۴	سفری که اخیرا با آیت الله زاده معظم حضرت حجه جهت افتتاح مسجد سراوان
۳۵	برخی از وظایفی که شیعیان و دوستان
۳۹	گزیده ای از شمایل مبارک و خصوصیات امام زمان علیه السلام
۴۱	توسل به امام زمان علیه السلام
۴۲	۱- نامه نوشتن و عریضه دادن به امام زمان علیه السلام
۴۶	دعای مرحوم سید علیخان در کلم الطیب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام
۶۳	زیارت ال یاسین
۷۵	دعای توسل (مرحوم علامه مجلسی)
۸۷	سخنی با زائرین
۸۹	مدارک:
۹۳	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۱۰۲	درباره مرکز

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: تاریخچه مسجد مقدس جمکران [کتاب] / واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، 1382

مشخصات ظاهری: 80ص

موضوع: قم -- تاریخ

موضوع: تشرفات -- ایران -- قم

موضوع: خصوصیات امام زمان عج

موضوع: وظایف شیعیان - امام زمان عج

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: 3304335

نام کتاب: تاریخچه مسجد مقدس جمکران

ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

تاریخ نشر: تابستان 1385

نوبت چاپ: سیزدهم

چاپ: سرور

تیراژ: 20000 جلد

قیمت: 300 تومان

شابک: 964 - 6705 - 32 - 4

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» مسجد شریف جمکران در نزدیکی و در طرف شرقی شهر مقدس قم، سمت جاده قم کاشان واقع شده است که از همان ابتدای بنای آن، تا به امروز مورد توجه شیفتگان امام زمان علیه السلام بوده است و علمای بزرگ، نسبت به حضور و خواندن نماز مخصوص در آنجا، عنایت خاصی داشته اند. افراد زیادی در طول تاریخ در این مکان مقدّس مورد الطاف حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - واقع شده، گرفتاری ها و مشکلات مادی و جسمی و معنوی آنان برطرف شده است که با مراجعه به تاریخ، صدق نوشتار ما روشن خواهد شد، و به همین منظور دو نمونه از آن موارد را در این مجموعه نقل می کنیم.

در سال های اخیر، با توجّه به اقبال عمومی به امام زمان علیه السلام این مسجد نیز بیشتر مورد توجّه مردم و اهل تقوا و ایمان قرار گرفته، و از نقاط مختلف ایران و جهان برای درک برکات و فیوضات الهی به این مکان مقدّس می آیند؛ و از طرفی هم بنای آن تجدید شده و وسعت یافته تا زائرین در تنگنا و مشقت قرار نگیرند.

طبق فرمایش صریح امام زمان علیه السلام: «این زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده و شرافت داده» و دوست دارد که در این مکان عبادت شود و بندگانش با او انس گیرند، بنابراین دوستان و موالیان حضرت مهدی علیه السلام که از نقاط مختلف برای عرض حاجات خود می آیند، باید دقت داشته و مراقب اعضا و جوارح و رفتار خود باشند، که خطا و گناهی در این مسیر از آنان سر نزنند، و در نتیجه قلب مقدّس و نازنین امام زمان علیه السلام را مورد اذیت و آزار قرار ندهند. خواهران و مادران باایمان در حفظ حجاب و پوشش خود از نامحرم کاملاً مراقبت نمایند و برادران نیز نگاه های خود را کنترل کنند.

مناسب و لازم است هر کسی در صدر حوایج خود، در لحظاتی که حال دعا و نیایش پیدا می کند، ظهور و فرج حضرت صاحب الزمان - عَجَلُ اللّهِ فَرَجُهُ الشَّرِيفُ - را در نظر بگیرد؛ زیرا فرج و گشایش و رفع گرفتاری های شیعیان و دوستان آن حضرت، به طور کامل، تنها با حضور موفور السرور آن وجود مقدّس، تحقّق خواهد یافت.

ما هم به درخواست بعضی از دوستان و در پاسخ برخی از مشتاقان امام عصر علیه السلام سعی کردیم تاریخچه مختصر و مستندی از این مسجد مقدّس، با بیانی ساده تهیه و در اختیار دوستان آن حضرت

بگذاریم که با مراجعه به کتب تاریخی، مناسب آن دیدیم آنچه را محدّث بزرگ شیعه مرحوم میرزا حسن نوری - اعلی الله مقامه - در کتاب شریف نجم الثاقب آورده، نقل نماییم. امید آن داریم که این ران ملخ، در پیشگاه مقدّس سلیمان زمان مقبول افتد. إن شاء الله.

واحد فرهنگی مسجد مقدس جمکران 15 شعبان 1415

ص: 3

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

«یا صاحب الزمان ادرکنی» شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی که از بزرگان قدما و علمای شیعه و از معاصرین شیخ صدوق رحمه الله بوده است، در کتاب خود به نام تاریخ قم، راجع به بنای مسجد مقدس جمکران از کتاب «مونس الحزین فی معرفه الحق والیقین» چنین نقل کرده است:

شیخ حسن بن مثله جمکرانی که یکی از صلحا است، می گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان 393 ه.ق در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عده ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را طلب نموده است.

حسن می گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم. آواز دادند که «هو ما کان قمیصک؛ آن پیراهن را نپوش که از تو نیست». دست بردم و شلووار

خود را برگرفتم، ندا آمد که «لیس ذلک منک فخذ سراویلک؛ آن شلواری که برگرفتی از تو نیست»، از آن خود را بردار. آن را انداختم و شلوار خود را برگرفتم و پوشیدم، آن گاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را باز کنم، آواز دادند که «الباب مفتوح؛ درب باز است».

چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند. آن ها مرا به مکانی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن پهن و بالش های فاخر بر آن نهاده و جوانی سی ساله بر آن تخت و بر چهاربالش تکیه کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می خواند و بیشتر از شصت مرد اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه های سفید و بعضی دیگر جامه های سبز بر تن داشتند.

آن پیرمرد حضرت خضر علیه السلام بود و مرا امر به نشستن نمود، آن گاه امام علیه السلام اسم مرا بردند و فرمودند: برو به حسن مسلم بگو: تو پنج سال است که این زمین را تصرف کرده و در آن چیز کاشته و کشاورزی می نمایی، ولی ما آن را خراب می کنیم. این زمین شریفی است و حقّ تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال باز هم آن را مرتّب نموده ای تا در آن به کشت و زرع پردازی و حال

ص: 5

آن که تورا چنین اجازه و حقی نیست، بنابراین هر بهره و نفعی که تا به حال از این زمین برگرفته ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند. خدای عزوجلّ به خاطر این امرِ خلافی که انجام داده ای و آن را جزء زمین خود گرفته ای، دو پسر جوان تورا بازگرفت، اما متنبّه نشدی، اگر باز هم بنخواهی چنین کنی کیفر الهی آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید.

عرض کردم: ای آقا و مولایم! برای این موضوع باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم بدون نشانه سخن مرا قبول نمی کنند.

امام علیه السلام فرمود: «إِنَّا سَنَعْلَمُ هُنَاكَ عِلَامَةً؛ ما در اینجا علامت و نشانه قرار می دهیم» تا سخن تورا تصدیق نمایند، تو برو و رسالت ما را انجام بده. (در قم) نزد سید ابوالحسن برو، به او بگو تا با تو بیاید و حسن بن مسلم را حاضر نماید و منافع چندساله را از او بگیرد و به مصرف بنای مسجد برساند. بقیه مخارج را از قریه رهقِ اردهال که ملک ماست بیاورند و ساختمان مسجد را تمام کنند، نصف قریه رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله درآمد آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد نمایند.

مردم را بگو تا به این مکان رغبت نمایند و آن را عزیز دارند، چهار رکعت نماز اینجا بگذارند:

دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعتی یک بار سوره حمد و هفت بار سوره توحید «قل هو الله أحد» خوانده و ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کنند.

دو رکعت دوم را به نیت نماز امام زمان علیه السلام بخوانند؛ به این ترتیب که چون سوره حمد را شروع به خواندن نمایند و به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسند، آن را صد بار تکرار کنند و بعد از آن، بقیه سوره حمد را بخوانند، سپس سوره توحید «قل هو الله أحد» را فقط یک بار بخوانند و آن گاه ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار نمایند، رکعت دوم را نیز به همین طریق بخوانند. چون نماز را تمام کنند، یک بار تهلیل «لا إله إلا الله» بگویند و سپس تسیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را خوانده و سر به سجده گذارند و صدبار صلوات بر پیغمبر و آتش علیهم السلام بفرستند.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

فَمَنْ صَلَّىهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ هرکس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من به راه افتادم چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله

جعفر کاشانی چوپان است، اگر مردم ده بهای آن را دادند و اگر نه، از مال خود آن را خریداری کن و فردا شب، به این مکان بیاور و آن را بکش، آن گاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن را بین بیماران انفاق می کنی، هر مریض و بیماری که از گوشت آن بخورد حق تعالی شفایش دهد، نشانی آن بز این است که ابلق بوده و موهای بسیار دارد و هفت علامت دیگر نیز داشته، سه علامت در طرفی و چهارتای دیگر در طرف آخر.

حسن بن مثله می گوید: به منزل برگشتم، تمام شب را در اندیشه بودم، تا صبح طلوع کرد و نماز را خواندم، سپس به منزل علی المنذر رفتم و احوال دیشب را با وی گفتم، با یکدیگر به آن جایگاه که مرا شب برده بودند رفتیم، قسم به خدا میخ ها و زنجیرهایی که حدود بنای مسجد را نشان می داد مشاهده کردیم و آن ها همان نشان و علامتی بود که امام علیه السلام فرموده بود.

سپس به طرف منزل سید ابوالحسن در قم حرکت کردیم، چون به در منزل او رسیدیم خادمش را دیدیم که درب منزل در انتظار ماست، سؤال کرد: تو از جمکرانی؟ گفتم: بلی. گفت: سید از سحرگاه منتظر توست. من به داخل منزل رفتم و سید ابوالحسن را سلام کردم، جوابی نیکو داد و ما را اعزاز و احترام کرده و بنشانید.

آن گاه قبل از این که من چیزی بگویم به من فرمود: ای حسن بن مثله! شب گذشته خوابیده بودم، در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی به نام حسن بن مثله از جمکران پیش تو می آید، آنچه به تو می گوید او را تصدیق کن و بر گفتار او اعتماد نما؛ زیرا سخن او، سخن ماست و باید قول او را رد نکنی. از خواب بیدار شدم، تا این ساعت منتظر تو بودم.

حسن بن مثله می گوید: من هم تمام احوال شب گذشته را با شرح و تفصیل برای سید ابوالحسن بیان کردم، سید بلافاصله دستور داد تا اسب ها زین کردند و بیاوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک ده رسیدیم، جعفر چوپان گله اش را در کنار جاده می چرخانید، من در میان گله رفتم، بزی که از عقب گوسفندان می آمد به طرف من دوید، آن بز را گرفتم و به نزد جعفر چوپان آوردم، تا بهای آن را بدهم، جعفر سوگند یاد کرد که من هرگز این بز را ندیده ام و در گله من نبوده است، مگر امروز که می بینم، و هر چند که می خواهم آن را بگیرم ممکن نمی شود تا اکنون که به نزد شما آمد.

پس بز را همچنان که امام علیه السلام فرموده بود در آن جایگاه آوردیم و ذبح نمودیم و گوشت آن را بین بیماران تقسیم کردیم و همه شفا یافتند.

سید ابوالحسن، حسن مسلم را احضار کرد و منافع چند ساله زمین را از او گرفت و امر کرد تا وجوه در آمد روستای رهق را نیز آوردند و مسجد را بنا کردند و با چوب پوشانیدند.

سید ابوالحسن الرضا زنجیرها و میخ ها را به قم برد و در منزل خود گذاشت و بیماران می رفتند و خود را به آن ها می مالیدند و خدای تعالی شفای عاجل می داد.

ابوالحسن محمد بن حیدر گوید: شنیده ام که سید ابوالحسن الرضا در محله موسیان در شهر قم مدفون است و پس از او فرزندش بیمار شد، وی به سر صندوقی که زنجیرها و میخ ها در آن نگهداری می شد رفت تا به وسیله آن ها شفا یابد، هنگامی که سر صندوق را باز کرد اثری از زنجیرها و میخ ها نیافت و هر چه مردم جست و جو کردند فایده ای نبخشید.

مرحوم محدث نوری بعد از نقل این واقعه شریفه مطالبی می فرماید که خلاصه اش این است:

عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی تاریخ این قصه را در سال 393 ه.ق نقل کرده ولی ظاهراً در نوشتن اشتباه شده و در اصل 373 ه.ق بوده؛ زیرا وفات شیخ صدوق قبل از 390 ه.ق می باشد و این قصه هم در زمان حیات شیخ صدوق واقع شده است.

اما دو رکعت نماز منسوب به آن حضرت، از نمازهای معروف است و جماعتی از علمای بزرگ آن را روایت کرده اند:

1 - مرحوم شیخ طبرسی صاحب تفسیر، در کتاب «کنوز النجاج» این نماز را به همان ترتیب که در ضمن قصه گذشت، روایت نموده و بعد از نماز دعایی را نقل فرموده است، اما از تهلیل و تسیح حضرت زهرا علیها السلام و صد بار صلوات، ذکری به میان نیاورده است.

2 - مرحوم سید عظیم القدر سید فضل الله راوندی در کتاب «دعوات» در ضمن نمازهای معصومین می فرماید: نماز حضرت مهدی علیه السلام دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و صد مرتبه آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او - علیهم السلام - .

3 - مرحوم سید جلیل علی بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع»، همین نماز را به گونه ای که مذکور شد، به آن حضرت نسبت داده، و لکن ذکر صد مرتبه صلوات بعد از آن را نقل نکرده و فرموده است که این دعا پس از نماز خوانده شود:

ص: 11

اِلهی عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءِ، وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءِ، (1) وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْاَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، (2) وَ اَنْتَ الْمُسْتَتَعَانُ وَ اِلَيْكَ الْمُسْتَتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ (3) فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ، اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ فَارَضَتْ عَلٰى سَيِّدِنَا (5) طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتُنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَلَيْنَا بِحَقِّهِمْ (6) فَوْجًا عَاجِلًا قَرِيْبًا، كَلِمَةً حِجَابِ الْبَصْرِ - رَاَوْهُ وَاَقْبَرُ (7)،

ص: 12

- 1- بار الها! گرفتاری بزرگ گشت، و پنهانی ها آشکار شد، و پرده از رازها برداشته شد،
- 2- و امید گسسته شد، و پهنای زمین تنگ شد، و از ریزش رحمت آسمان دریغ ورزیده شد،
- 3- و تویی یاور ما و به سوی توست گلایه ها و شکایت ها، و بر توست اعتماد و تکیه ما
- 4- چه در سختی و چه در آسانی . بار الها! درود فرست بر محمد
- 5- و خاندان محمد، آن زمامدارانی که واجب کرده ای بر ما فرمان برداری
- 6- و اطاعت شان را، و بدین سبب جایگاه شان را به ما شناساندی، پس گشایش ده بر ما به حق ایشان
- 7- گشایشی فوری و نزدیک، همچون برهم زدن چشم یا زودتر (از آن)،

يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ! يا عَلِ-يُ يا مُحَمَّد-دُ! اِكْفِيانِي فَاِنَّكُمَا(1) كافي-يانِ ، وَاَنْصُ-راني فَاِنَّكَ-ما ناصِ-رانِ. يا مَوْلانا يا (2)صاحبِ الزَّمانِ ،
الْعَوْثُ الْعَوْثُ الْعَوْثُ. اَدْرِكْنِي (3) اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي. السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ . الْعَجَلَ الْعَجَلَ (4) الْعَجَلَ . يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. (5)

ص: 13

-
- 1- ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد! مرا نگه دارید که شما پیدا
 - 2- نگه دارندگان من ، و مرا یاری کنید که شما پیدا یاوران من ای سرور ما! ای
 - 3- صاحب اختیار جهان! به فریادم برس! به فریادم برس! به فریادم برس! دریاب مرا!
 - 4- دریاب مرا! دریاب مرا! همین ساعت ، همین ساعت ، هم اکنون . فوری فوری
 - 5- زود! ای خدا ای مهربان ترین مهربانان! به حق محمد و خاندان پاکیزه اش (برآورده کن دعای مرا).

تشرّف مرحوم شیخ محمدتقی بافقی خدمت امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران سیّد شریف، سیّد مرتضی حسینی معروف به ساعت ساز قمی، که از اشخاص باحقیقت و متدین پایین شهر قم، و به نیکی و پارسایی مشهور و معروف بوده حکایت نموده است:

شب پنج شنبه ای در فصل زمستان که هوا بسیار سرد، و برف زیادی هم قریب نیم زرع روی زمین نشسته بود، در منزل خود نشسته بودم به خاطر آمد که امشب، شب پنج شنبه و هنگام رفتن آخوند (شیخ محمد تقی بافقی) به مسجد جمکران است.

با خود گفتم که حتما با این هوا و برف، امشب را تعطیل کرده اند، اما دلم طاقت نیاورد و در پی ایشان رفتم، در منزلشان نبود، در مدرسه هم نبود، سراسیمه از هر طرف جوینا، و از هر کس پویای ایشان بودم، تا به میدان میر، که سر راه جمکران است رسیدم، تصمیم گرفتم تحقیق کاملی درباره ایشان نمایم.

شخصی که خباز و نانواى میدان میر بود گفت: آقا چرا مضطربى و به دنبال چه کسى مى گردى؟

گفتم: در فکر حاجی شیخ محمد تقی هستم که مبادا به مسجد رود، زیرا در این هوای سرد و برف فراوان، بیابان پر از خطر جانوران و ترس خشک شدن از کوران و سرما است. آمدم که او را ببینم و ممانعت از رفتن او کنم ولی هنوز وی را ندیده ام و کسی هم خبر از او ندارد.

نانوا گفت: معطل نشو، زیرا ایشان با چند نفر از اصحاب و طلابش به سمت مسجد جمکران رفتند. همین که این کلام را شنیدم اضطرابم بیشتر شد با عجله به راه افتادم.

نانوا گفت: کجا شتاب می کنی؟ گفتم: شاید به آن ها برسیم و ایشان را برگردانم یا چند نفری را با وسایل لازم با آن ها بفرستم.

نانوا گفت: بیخود مرو، زیرا که به آن ها قطعاً نخواهی رسید و شاید الآن اگر به خطری برنخورده باشند نزدیک مسجد باشند.

من بسیار پریشان شدم، و به خاطر آن شدت سرما و برفی که متصلاً از آسمان می بارید ترس داشتم از این که پیش آمدی برای آن ها خواهد نمود، اما چاره ای نداشتم، اهل منزل نیز از پریشانی من، مضطرب و اندوهناک شدند.

خوابم نمی برد، به دعا کردن برای ایشان مشغول بودم که نزدیک سحر در چشمم گرمی مختصری حاصل شد، و بین خواب و بیداری

بودم، که ملاحظه نمودم حضرت صاحب الامر - عَجَلُ اللَّهِ لَهُ الْفَرَجُ - وارد منزل شدند و به من فرمودند: سید مرتضی چرا مضطربی؟ عرض کردم: ای مولایم! به خاطر شیخ محمدتقی، که امشب به مسجد رفته و نمی دانم بر سر او چه آمده است.

فرمودند: سید مرتضی، گمان می کنی من از حاج شیخ دورم، الآن به مسجد رفتم و وسایل استراحت او و اصحابش را فراهم کرده و آمدم. از خوشحالی برخاسته و به اهل منزل که از من پریشان تر بودند مژده این بشارت را دادم. صبح زود برخاستم و برای اثبات راستی و صحت این خواب به تفحص پرداختم تا به یکی از اصحاب حاج شیخ رسیدم، به وی گفتم: دوست دارم قضیه دیشب را بازگویی.

گفت: بلی! دیشب حاج شیخ ما را برداشته و در آن هوای سرد و برفی به طرف مسجد جمکران رفتیم، اما وقتی که از شهر خارج شدیم، یک حرارت و شوق دیگری داشتیم به گونه ای که در روی برف، از زمین خشک و روز آفتابی سریع تر می رفتیم، تا به اندک زمانی به مسجد رسیده و متحیر بودیم که شب را از سرما، چگونه به روز آوریم که ناگاه دیدیم جوان سیدی که به نظر دوازده ساله می رسید، وارد شده و به حاج شیخ فرمود: دوست دارید کرسی و لحاف و آتش برایتان حاضر کنم؟ ایشان گفتند: اختیار با شماست.

آن سید از مسجد بیرون رفت، اما چند دقیقه ای طول نکشید که برگشت و با خود کرسی و لحاف و منقلی از ذغال و آتش آورد، و در یکی از حجرات گذاشته و مرتب نمود، هنگام رفتن از حاج شیخ پرسید: باز هم احتیاجی هست؟ شیخ جواب داد: خیر.

یک نفر از ما اظهار داشت: ما صبح زود می رویم، این اثاثیه را به چه کسی بسپاریم؟ فرمود: هرکس آورده خودش خواهد برد، و از نظر ما پنهان شد.

ما در تعجب بودیم که این سید چه کسی بود! و اثاثیه را از کجا آورد، با این که از این جا تا قریه جمکران رفتن و برگشتن به اندازه یک کیلومتر راه است و لا- اقل برای رفت و برگشت و تهیه لوازم، نیم ساعت لازم است و از طرف دیگر چند ساعت از شب گذشته و هوا هم سرد، و برف هم در حال باریدن بود، تا صبح در این فکر بودیم، عاقبت اثاثیه را همان جا گذاردیم و آمدیم و هنوز در همان فکر هستیم.

به او گفتم: من می دانم که آن سید جوان چه شخصی بود، آن گاه داستان اضطراب و خواب خود و فرمایش مولایم را برای او بیان کردم، و گفتم که از خانه ام بیرون نیامدم مگر برای این که راستی و صحت خواب خود را ببینم، و الحمد لله که دیدم، و فهمیدم که مولایم از این مرد شریف غافل نیست.

لازم به یادآوری است که مرحوم شیخ محمدتقی بافقی در تعمیر ساختمان قدیمی مسجد و احیا و رونق دادن به آن، سهم به سزایی داشته، و مقید بوده است که شبهای جمعه با جمعی از طلاب متدین و وارسته به آنجا مشرف شده و تا صبح به مناجات با قاضی الحاجات و انس با مولا و آقای خود حضرت صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - پردازد.

ص: 18

شفای سرطان پسر بچه سنی حنفی زاهدانی در مسجد جمکران قم

در «مسجد جمکران» پسر بچه ای که اهل «زاهدان» است، شفا گرفته است که هم فیلم ویدیویی و هم نوار مصاحبه آن موجود است. اینک سؤال و جوابی را که جناب «حاج آقای موسوی» مدیریت محترم آن زمان مسجد با خود نوجوان و والده او نموده، از نوار پیاده و ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می گذرد:

تاریخ مصاحبه: هیجدهم آبان ماه 1372 ه.ش.

-- لطفاً خود را معرفی و اصل ماجرای شفا یافتن را بیان کنید.

-- بسم الله الرحمن الرحيم. من «سعید چندانی»، دوازده ساله هستم که حدود یک سال و هشت ماه به سرطان مبتلا بودم و دکترها جوابم نموده بودند.

پانزده روز قبل، شب چهارشنبه که به «مسجد جمکران» آمدم، در خواب دیدم نوری از پشت دیوار به طرف من می آید که اول ترسیدم، بعد خود را کنترل نمودم، این نور آمد و با بدن من تماسی

ص: 19

پیدا کرد و رفت و نور آن قدر زیاد بود که من نتوانستم آن را کامل ببینم، بیدار شدم و باز خوابیدم تا صبح که از خواب بیدار شدم، دیدم بدون عصا می توانم راه بروم و حالم خیلی خوب است. تا شب جمعه در مسجد ماندیم و در شب جمعه، مادرم بالای سرم نشست و به تلاوت قرآن مشغول بود، احساس کردم کسی بالای سر من آمد و جملاتی را فرمود که من باید یک کاری را انجام دهم، سه مرتبه هم جملات را بیان کرد.

من به مادر گفتم: مادر! شما چیزی به من گفتی؟ گفت: نه! من آهسته مشغول قرائت قرآنم.

گفتم: پس چه کسی با من حرف زد؟ گفت: نمی دانم.

هرچند سعی کردم آن جملات را به یاد بیاورم، متأسفانه نشد و تا الآن هم یادم نیامده است.

-- سعید جان! شما اهل کجا هستی؟! -- زاهدان.

-- کدام شهر زاهدان؟ -- خود زاهدان.

-- کلاس چندمی؟

ص: 20

-- پنجم.

-- کدام مدرسه می روی؟ -- محمد علی فائق.

-- شما قبل از شفا پیدا کردن، چه ناراحتی داشتی؟ -- غده سرطانی.

-- در کجای بدنت بود؟ -- لگن و مثانه و شکم.

-- از چه جهت ناراحت بودی؟ -- راه رفتن و درد و ناراحتی که حتی با عصا هم نمی توانستم درست راه بروم و مرا بغل می گرفتند.

-- دکترها چه گفتند؟ -- گفتند ما نمی توانیم تو را عمل کنیم و جوابم کردند و بعضی از دکترها هم به مادرم می گفتند باید پایش را قطع کنیم.

-- شما در این مدت، بیرون از منزل نمی رفتی؟ -- از سه ماه قبل که مرا جهت عمل جراحی، نمونه برداری کرده بودند، دیگر نتوانستم از خانه بیرون بروم.

-- در این سه ماه چه می کردی؟ -- خوابیده بودم و نمی توانستم راه بروم.

ص: 21

-- می شود آدرس منزلتان را بگویید؟ -- بلی! زاهدان، کوی امام خمینی، انتهای شرقی، کوچه نعمت، پلاک 6، منزل آقای چندانی.

-- شما چطور شد جمکران آمدید؟ -- مادرم مرا آورد.

-- الان که به مسجد جمکران آمده ای، چه احساسی داری؟ -- خیلی احساس خوبی دارم و ناراحتی هایم همه برطرف شده.

-- بعد از اینکه شفا یافتی، نزد دکتر رفته ای؟ -- آری! -- چه گفتند؟ -- تعجب کردند و مادرم به آن ها گفت: ما دکتر دیگری داریم و او علاج کرده. گفتند: کجاست؟ گفت: جمکران و آن ها آدرس گرفتند و گفتند ما هم می رویم.

-- شما قبل از اینکه شفا بگیری و قبل از خوابیدن، چه راز و نیازی کردی و با خود چه می گفتی؟ -- گریه کردم و از خدا و امام زمان علیه السلام خواستم که این درد از من برود و مرا شفا بدهد و بالاخره به نتیجه رسیدم و موفق شدم و خیلی راضی ام.

ص: 22

-- شما برای معالجه کجا رفتید؟ -- چند ماه قبل به بیمارستان «الوند» رفتیم. بعد دکتر گفت تگه برداری می‌کنم، بستری شدم و تگه برداری کردند. پس از چهار روز که بستری بودم، از حال رفتم، و سه چهار ماه اصلاً نتوانستم راه بروم و تمام خانواده ام مأیوس بودند.

-- خیلی درد داشتی؟ -- آری! -- الآن هیچ دردی نداری؟ -- خیر! -- با چه چیزی شما را به اینجا آوردند؟ -- ماشین.

-- به چه نحو وارد مسجد شدی؟ -- تا نصف راه با عصا آمدم، نتوانستم، مرا بغل کردند و به مسجد آوردند.

ص: 23

شرح ماجرا از زبان مادر نوجوان سرطانی شفایافته

بسم الله الرحمن الرحيم بر محمد و آل محمد صلوات! (صلوات حاضرین) برای خشنودی امام زمان علیه السلام صلوات! (صلوات حاضرین) من از یک جهت ناراحت و از یک جهت خوشحال هستم و لذا نمی توانم درست صحبت کنم، ببخشید. اما ناراحتی من این است که می خواهم از اینجا بروم و جهت خوشحالی ام آن است که فرزندم شفا پیدا کرده است.

بچه من یک سال و هشت ماه مریض بوده و به من چیزی نگفت. یعنی فرزندم یک سال با درد ساخت و چیزی نگفت، تا ناراحتی خیلی شدید شد و به من اظهار کرد. من او را نزد دکترهای زاهدان بردم، به من گفتند باید این بچه را به تهران ببرید. او را به تهران آوردم و نمونه برداری کردند و گفتند: «غده سرطانی است.» من بی اختیار شده و به سر و صورتم زدم و از آن روز به بعد که مرض او را فهمیدم خواب راحت نداشتم و شب های طولانی را نمی دانم چطور گذرانده و خواب به چشمان من نمی آمد. آنچه بلد بودم این بود که: اول به نام

خدا درود می فرستادم و «اللّٰه اکبر» و «لا اله الاّ الله» می گفتم. چندین دوره تسبیح «لا اله الاّ الله» گفتم که این نام خداست. بعدا به نام محمّد صلی الله علیه و آله و بعد به نام حضرت مهدی علیه السلام و بقیّه انبیا صلوات فرستادم؛ چون خواب که به چشمم نمی آمد، نمی خواستم بیکار باشم.

-- دکترها چه گفتند؟ -- گفتند مادر سعید! الآن که بچه را از بین بردی برای ما آوردی؟ و به من گفتند سرطان است و علاج ندارد. گفتم: تقصیر من نیست به من نگفت. به او گفتند: چرا نگفتی؟ گفت: من نمی دانستم که سرطان است. به هر حال دکترها عصبانی شدند و به من گفتند ببرش.

چهار دکتر ما را جواب کردند. به بعضی از دکترها التماس کردم، گفتند: شیمی درمانی می کنیم تا چه پیش آید.

چند جلسه شیمی درمانی کردند و هنوز زیر برق نگذاشته بودند که من سعید را به اینجا (مسجد جمکران) آوردم.

*** وقتی به اینجا آمدیم، روز سه شنبه بود و سعید شب چهارشنبه، ساعت سه بعد از نصف شب، که بچه ام تنها بود و من خودم مسجد بودم، خواب می بیند. من آمدم دیدم بدون عصا دارد راه می رود.

گفتم: سعیدجان! زود برو چوب را بردار، چرا بدون عصا می روی؟ گفت: من دیگر با پای خودم می توانم راه بروم و احتیاجی به عصا ندارم. مگر من نیامدم اینجا که بدون چوب بروم؟ من و برادرش گفتیم لابد شوخی می کند، و او گفت: من شفا گرفتم و خوابش را گفتم.

برادرش گفت: «اگر راست می گویی، بنشین.» نشست. «بلند شو»، بلند شد. «سینه خیز برو»، رفت. دیدم کاملاً خوب شده است. الحمد لله رب العالمین.

من به خاطر این که بچه ام را چشم نکنند و اسباب ناراحتی او را فراهم نکنند، گفتم به کسی نگویم تا بعداً برای متصدی مسجد نقل می کنم. شکر! الحمد لله! بچه ام را آوردم اینجا، سالم شده و امید است حضرت اجازه بدهد تا از خدمتش مرخص شویم.

در نوار ویدیویی از این مادر سؤال شده: چرا شما به «مسجد جمکران» آمدی؟ در جواب می گوید: به خاطر خوابی که وقتی در بیمارستان تهران بودم، دیدم که مرا به اینجا راهنمایی کرده و گفتند: شفای فرزند تو آنجاست.

-- ایشان چند ماه مریض احوال و بستری بود؟ -- از شهریور ماه، که از شهریور تا آبان، دیگر هیچ نتوانست راه

برود. در زاهدان پدرش او را بغل می گرفت و از این طرف به آن طرف و پیش دکتر می برد و در مسافرت برادرش که همراه ما هست؛ چون بعد از نمونه برداری، به کلی از پا افتاد، و عکس ها و مدارک موجود است.

-- بعد از شفا هم او را پیش دکترها بردی؟ -- آری! و تعجب کردند و گفتند: چه کار کردی که این بیچه خوب شده؟ گفتیم: ما یک دکتر داریم که پیش او بردم. گفت: کجاست؟ گفتیم: «قم جمکران» و از سگه های امام زمان علیه السلام که شما داده بودید، به آن ها دادم. به خدا دکتر تعجب کرد، دکترش آدرس جمکران را نیز گرفت.

-- کدام دکتر بود؟ -- بیمارستان هزار تختخوابی امام خمینی، و نام دکتر هم «دکتر رفعت» و یک دکتر پاکستانی.

-- دقیقا چه مدت است که اینجا هستی؟ -- نزدیک به یک برج است اینجا هستم و باید حضرت امضا کند و اجازه دهد تا از اینجا برویم.

-- پدرش می داند؟ -- آری! خودم تلفن زدم و همه تعجب کرده و باور نمی کنند که بیچه خوب شده باشد.

-- محلّ شما اکثراً اهل تسنّن هستند؟ -- بلی! -- خودتان چطور؟ -- ما خودمان اهل تسنّن و حنفی هستیم، پیرو دین، قرآن و اسلام هستیم.

-- حالا که امام زمان علیه السلام بچه شما را شفا داده، شیعه نمی شوید؟ -- امام زمان علیه السلام مال ما هم هست و تنها برای شما نیست.

سفری که اخیراً با آیت الله زاده معظم حضرت حجّه جهت افتتاح مسجد سراوان

نویسنده در سفری که اخیراً با آیت الله زاده معظم حضرت حجّه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید جواد گلپایگانی جهت افتتاح مسجد سراوان به زاهدان داشتم و جوایب حال این خانواده شدم به دو نکته آگاهی یافتم:

1 - دیدار این نوجوان با مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و سفارش ایشان به او که باید جزو شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام از سربازان امام عصر - ارواحنا فداه - شوی.

2 - مژده دادند که افراد خانواده این نوجوان همه شیعه اثنی عشری شده اند و این قصه نزد مردم آن جا مشهور است.

ص: 28

برخی از وظایفی که شیعیان و دوستان

برخی از وظایفی که شیعیان و دوستان امام زمان علیه السلام نسبت به آن حضرت دارند آنان که عنایت مولای خود را می طلبند، باید توجه داشته باشند که تنها نباید توقع داشت که از آن سو توجهی شود، بلکه ما هم در مقابل آقا ولی نعمت مان وظایفی داریم، وظایفی که عمدتاً از آن ها غافلیم و این غفلت ها قلب مقدس آن حضرت را از ما محزون و اندوه ناک می سازد، آنجا که می فرماید:

«خداوند ما و شما را از فتنه ها نگاه دارد و به ما و شما روح یقین موهبت کند و از بدی عاقبت باز دارد».⁽¹⁾ تردید و سرگردانی، و گرایش به مکتب های پوشالی و بی اساس، و کردار ناشایست که از لوایح دوران غیبت کبری است شایسته شیعیان و دوستان آن حضرت نیست؛ چرا که خاطر آن امام مهربان را آزرده می سازد:

ص: 29

1- . فرازهایی از توقیعات حضرت ولی عصر علیه السلام خطاب به عالم بزرگوار، شیخ مفید رحمه الله، بحار الانوار ج 53، ص 175 و 177 به نقل از «احتجاج».

«ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم که اگر جز این بود نابسامانی ها و مصیبت ها بر سرتان فرود می آمد و دشمنان، شما را درهم می شکستند. تقوای خود را بیشتر کنید و ما را یاری دهید».(1) لذا مناسب دیدیم نمونه ای از وظایف مهم نسبت به آن حضرت را، زینت بخش این نوشتار قرار دهیم:

1 - شناخت و معرفت کامل از طریق صفات و خصایصی که مخصوص آن حضرت است، و مداومت داشتن بر خواندن این دعا:

اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعْ-رَفِّنِي نَفْسَكَ ، (2) لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّ-كَ . اَللّٰهُمَّ ع-رَفِّنِي رَسُوْلَكَ ، فَإِنَّكَ إِن (3) لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُوْلَكَ ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّ-تَكَ . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي (4) حُجَّتَكَ ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِيْنِي . (5)

ص: 30

1- . همان.

2- بار خدایا! خودت را به من بشناسان ؛ زیرا اگر خودت را به من شناسانی ،

3- پیامبرت را شناسم . خدایا پیامبرت را به من بشناسان ؛ زیرا اگر

4- پیامبرت را به من شناسانی ، حجّتت را شناسم . خدایا به من بشناسان

5- حجّتت را ؛ زیرا اگر حجّتت را به من شناسانی ، از دینم گمراه شوم.

- 2 - منتظر ظهور و فرج آن حضرت بودن، به گونه ای که این انتظار در انسان تحرک ایجاد کرده و در عمل ظاهر شود، تا آنجا که در انجام واجبات الهی و ترک محرمات کوتاهی نکند.
- 3 - تسلیم و انقیاد برای امر امام علیه السلام داشته باشد و عجله نکند، یعنی چون و چرا در امر ظهور آن جناب ننماید و آنچه از جانب آن حضرت می رسد، صحیح و مطابق حکمت بدانند.
- 4 - از مال خود به آن حضرت هدیه نماید، مثلاً مالی را که می خواهد به امام علیه السلام هدیه دهد، به همین قصد در راهی که می داند رضای آن حضرت است مصرف نماید، مانند این که به صالحان از دوستان و شیعیان آن حضرت کمک نماید.
- 5 - صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت.
- 6 - مداومت نمودن بر خواندن این دعا که در کتاب کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».
- 7 - در هر حال و زمانی آماده یاری نمودن آن حضرت باشد، و در فراقش مغموم بوده و ندبه و زاری نماید (مداومت داشتن بر خواندن دعای ندبه در صبح های جمعه).
- 8 - در مشکلات و گرفتاری های مهم به آن حضرت متوسل شود.

9 - فضایل و کمالات و صفات آن حضرت را ذکر نمودن و مردم را به سوی معرفت و شناخت آن جناب و خدمت به آن بزرگوار دعوت کردن.

10 - صبر کردن بر سختی ها و اذیت و سرزنش دشمنان دین در زمان غیبت.

11 - ثواب اعمال نیک و عبادات را به آن حضرت هدیه نمودن.

12 - دعا کردن برای سلامتی آن بزرگوار و طلب پیروزی و یاری و ظهور آن جناب را، از خدای متعال نمودن.

13 - خواندن زیارت آن حضرت و دعای عهد که در کتاب مفاتیح الجنان نقل شده است.

14 - بر دین و اعتقادات خود ثابت باشد و با ناهلان و منحرفین که او را نسبت به دینش سست کنند معاشرت نکند.

ص: 32

گزیده ای از شمایل مبارک و خصوصیات امام زمان علیه السلام

گزیده ای از شمایل مبارک و خصوصیات امام زمان علیه السلام بسیار مناسب و نیکوست که صفحات پایانی این نوشتار را به ذکر مختصری از شمایل مبارک حضرت بقیّه اللّه - عَجَل اللّهُ فرجه الشریف - اختصاص دهیم تا مرهمی بر دل سوخته دوستان و شیفتگان جمالش باشد، لازم به یادآوری است خصوصیات که نقل می شود در ضمن روایاتی که از طریق شیعه و سنی رسیده بیان شده است:

شبیبه ترین مردم در خلقت و اخلاق به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بوده و شمایل او شمایل آن حضرت می باشد. چهره اش سفید درخشنده، که سرخی به او آمیخته و گندم گون است. پیشانی نازنیش فراخ و سفید و تابان است و ابروانش به هم پیوسته و بینی مبارکش باریک کشیده و بالا آمده که مختصری برآمدگی در وسط دارد. گوشت صورت مبارکش کم است، و بر گونه راستش خالی است همچون ستاره ای درخشان، میان دندان هایش گشاده و به هم پیوسته، چشمانش سیاه و درشت و فرو رفته، و پلک ها درخشنده، و شاید

فرورفتگی چشم ها در اثر عبادت و بیداری و گریه بسیار باشد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده:

«الْمَهْدِيُّ طَاوُسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ؛ (1) «عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشِعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ؛ (2) «لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ الْأَرْقِ، بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ الْهَامَةِ؛ (3) «عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فَتَاهُ مِسْكِ عَلَى رَضْرَاضِهِ عَنَبٍ؛ (4) «لَهُ سَمْتٌ مَا رَأَتْ الْعُيُونُ أَقْصَدَ مِنْهُ؛ (5) «اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ؛ (6)

ص: 34

- 1- حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است، چهره اش مانند ماه درخشنده، و بر بدنش جامه هایی از نور است.
- 2- بر او جامه های نورانی است که متلاًلاً به شعاع انوار فیض و فضل الهی می باشد.»
- 3- قامتش نه بلند بالای بی اندازه و نه کوتاه به زمین چسبیده، بلکه معتدل و متوسط القامه بوده و سر مبارکش مدور است.»
- 4- بر گونه راستش خالی که گویی ریزه مُشکی است که بر زمین عنبرین ریخته.
- 5- هیأت زیبا و خوشی دارد که هیچ چشمی هیتی به آن اعتدال و تناسب ندیده است.»
- 6- بار خدایا آن جمال با رشادت، و پیشانی نورانی ستایش شده را به من بنمایان، و چشمم را به نگاهی به او، سر مه کن.»

امامان معصوم و ائمه اطهار علیهم السلام آیت های کرامت و نشانه های رحمت و احسانند که بخشش، عادت آن ها و کرامت و جوانمردی خمیرمایه وجودی ایشان است و در طول تاریخ و در کوران های زندگی، از شیعیان و دوستان خود دستگیری نموده اند. امام زمان ارواحنا فداه نیز از همین شجره طیبه و خاندان با فضیلت است، اگر چه بنابر مصالحی خداوند ایشان را از انظار غایب فرموده است و ظاهر نیست، اما احوال و اخبار دوستان و پیروانش بر آن بزرگوار پوشیده نمی باشد و در رسیدگی به حال آنان که، به جبل ولایتش چنگ زنند کوتاهی نمی کند و پیوسته برکات و رحمتش بر امت جدش جاری است.

لذا بایسته و شایسته است که در مهمّات و گرفتاری های دشوارِ مادی و معنوی، دست نیاز و ندای عجز و استغاثه به سوی این مولا و آقای رؤف و مهربان دراز کنیم، تا در مصایب و مشکلات توانفرسای دوران غیبت، به فریادمان رسند و الطاف و عنایات شان شامل حال مان گردد.

1- نامه نوشتن و عریضه دادن به امام زمان علیه السلام

الف) مرحوم محدث قمی در کتاب «منتهی الآمال» به نقل از «تحفه الزائر» علامه مجلسی و «مفاتیح النجاه» سبزواری می نویسد:

هرکس حاجتی دارد آنچه که ذکر می شود در رقعۀ ای بنویسد و در (ضریح) یکی از قبور ائمه علیهم السلام بیندازد، یا رقعۀ را ببندد و مهر کند و خاکِ پاکی را گل سازد، و آن را در میان گل گذارد و در نهری یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد، که به حضرت صاحب الزمان علیه السلام می رسد و آن بزرگوار عهده دار برآوردن حاجت می شود.

رقعه این چنین نوشته می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَ لَوَاتُ اللَّهِ عَلَيَّكَ مُسَّ تَغِيثًا، وَشَ كَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسَّ تَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ، مِنْ أَمْرِ قَدْ
دَهَمَنِي، وَأَشَدَّ غَلَّ قَلْبِي، وَأَطَالَ فِكْرِي، وَسَّ لَبَنِي بَعْضَ أُبِّي، وَعَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي، أَسَّ لَمَنِي عِنْدَ تَخِيلِ وُزُودِهِ الْخَلِيلِ، وَتَبَّرًا مِنِّي عِنْدَ
تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمِ، وَعَجَزَتْ عَنِّي دِفَاعِهِ حِيلَتِي، وَخَانَنِي فِي تَحْمُلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي، فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ تَنَاوُهُ

ص: 36

عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دَفَاعِهِ عَنِّي، عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِيَّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ، وَاتِّقَا بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي، مُتَيَقِّنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ! جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرٍ كَذَا وَكَذَا (پس حاجات خود را ذکر نمایند) فیما لا۔ طاقتہ لی بحملہ، ولا صبر لی علیہ، وإن کنت مسہ تحقًا لہ ولأضہ عافہ بقیح أفعالی، وتقریطی فیالواجبات الّتی لله عزّوجلّ.

فَأَعْنِنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ! عِنْدَ اللَّهْفِ، وَقَدِّمِ الْمَسْئَلَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، فَبِكَ بَسَّطَتِ التَّعْمَهُ عَلَيَّ، وَاسْتَمَلَّ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا وَفَتْحًا قَرِيبًا، فِيهِ بُلُوغُ الْأَمَالِ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي وَخَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ، إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَاءِ وَالْمَأَلِ.

آن گاه در کنار آن نهر یا چاه یا غدیر بایستد و توجّه به یکی از وکلای آن حضرت نموده و او را در نظر آورد (یا عثمان سعید

العمروی، یا پسر او محمد بن عثمان، یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری) و یکی از آن‌ها را بر زبان آورده و صدا نماید و بگوید:

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ! سَلَامٌ عَلَيْكَ! اِنَّ هَذَا اَنَّ وَفَاتِكَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَاَنْتَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوقٌ، وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَهَذِهِ رُفْعَتِي وَحَاجَتِي اِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ! وَاَنْتَ الثَّقَةُ الْاَمِينُ.

سپس نوشته را در نهر یا در چاه یا در غدیر اندازد که ان شاء الله حاجت او برآورده خواهد شد.

***ب) مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب العبقری الحسان می فرماید که فاضل متبحر، محمد بن محمد الطیب از علمای دولت صفویه، در کتاب انیس العابدین از کتاب سعادات، به این عبارت، دعای توسل برای هر مهمی و حاجتی را نقل کرده است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَوَسَّلْتُ اِلَيْكَ يَا اَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبَأِ الْعَظِيمِ، وَالصِّدِّيقِ الرَّاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعِصْمَةِ اللَّاحِقِينَ! بِأَمْرِكَ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبَابِائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، بِيَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَالْجَبْرُوتِ الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْأَيْمَانِ، وَنُورِ الثُّورِ
وَكِتَابِ الْمَسْطُورِ، أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ الْفُلَانِ (حاجات خود را ذکر نماید) أَوْ هَلَكَ الْفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. (و به جای فلان
بن فلان نام دشمن خود را بنویسید).

آن گاه این رقعہ و نوشته را در میان گل پاکی گذارد و در آب جاری یا در چاهی بیندازد و در آن حال بگوید:

يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ أَوْصِلَا قِصَّتِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

ص: 39

دعای مرحوم سید علیخان در کلم الطیب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مرحوم سید علیخان در کلم الطیب فرموده: این استغاثه ای است به حضرت صاحب الزمان علیه السلام، در هر جا که باشی دو رکعت نماز بگزار به حمد و هر سوره که خواهی، پس زیر آسمان و رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ، الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ (1) الدَّائِمَةُ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّتِهِ اللَّهُ (2) وَوَلِيِّهِ فِيأَرْضِهِ
وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْفِهِ وَعِبَادِهِ (3) وَسَدِّ لَاهِ النَّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، (4) وَمُظَهِّرِ الْأَيْمَانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ
الْقُرْآنِ، وَمُظَهِّرِ (5) الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّهِ (6)

ص: 40

- 1- درود کامل و تمام و همه جانبه و فراگیر الهی، و رحمت
- 2- جاودانه اش، و برکات پابرجا و تام و تمامش بر حجت خدا
- 3- ولی گرامش در کره زمین و تمام کشورهايش، و جانشین او بر خلائق و بندگانش
- 4- و نژاد پاک نبوت، و باقی مانده خاندان رسالت و برگزیده ویژه حق، حضرت صاحب الزمان،
- 5- و نمایان گر ایمان، و تعلیم دهنده احکام قرآن، و پاک کننده
- 6- زمین از جور، و گسترش دهنده عدالت در درازا و پهنای زمین، و حجت

الْقَائِي - مَ أُمِّهِ - دِيّ ، الأئمّة المُنْتَهَ - ظَرِ الْمَرَضِ - يّ ، وَابْنِ (1) الأئمة الطاهرين ، الوصي ابن الأوصياء المرُضيين ، (2) الهادي المعصوم - وم ابن الانبياء الهداة المعصومين . (3) أَلَسَّ - لَامٌ عَلَيْكَ يَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ (4) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ ، (5) أَلَسَّ - لَامٌ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، السَّلَامُ (6) عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ (7)

ص: 41

-
- 1- قائم حضرت مهدی ، پیشوای به انتظار نشسته و پسندیده ، و فرزند
 - 2- امامان پاکیزه ، و جانشین و فرزند جانشینان پسندیده حق ،
 - 3- و رهنمای معصوم و فرزند پیشوایان هدایت گر و معصوم .
 - 4- ، درود بر تو ای عزّت بخش مردم مؤمنی که (در اثر ظلم ستم کاران) ضعیف و ناتوان شدند ،
 - 5- درود بر تو ای ذلیل کننده کافران گردن کش و ستم پیشه ،
 - 6- درود بر تو ای سرور من ای صاحب الزمان ! درود
 - 7- بر تو ای فرزند رسول خدا ! درود بر تو ای فرزند حضرت علی

الْمُؤْمِنِينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ دَو (1) نِسَاءِ الْعَالَمِينَ-نَ، أَلَسَّ-لَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّ-ح (2) الْمَعْصُومِينَ،
وَالْأَئِمَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. أَلَسَّ-لَامٌ (3) عَلَّ-يَا مَوْلَايَ! س-لَامٌ مَخ-لِصِّ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ، (4) أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَئِمَّةُ الْمَهْدِيُّ
قَوْلًا-وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي (5) تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا (6) فَعَجَّ-لَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَدَّ هَلَّ مَخ-رَجَكَ، وَقَرَّبَ
زَمَانَكَ، (7)

ص: 42

-
- 1- امیر مؤمنان، درود بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی
 - 2- زنان جهانیان، درود بر تو ای فرزند پیشوایان و حجّت های
 - 3- معصوم و امام و پیشوا بر همه خلق، سلام
 - 4- بر تو ای سرور من! سلامی خالصانه به تو در ولایت و پیروی ات .
 - 5- گواهی می دهم که تویی آن پیشوای هدایت پیشه، چه در گفتار و چه در کردار، و تویی آن
 - 6-، بزرگواری که پر کنی زمین را از عدل و داد، پس از آن که از ستم و بیدادگری پر شده باشد،
 - 7- پس خدا در فرجت تعجیل، و قیامت را آسان، و زمان حکومتت را نزدیک فرماید،

وَكثُرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانِكَ ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ، فَهُوَ (1) أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ : (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِيْعُوا (2) فِي الْأَرْضِ وَنَجَّ عَلَيْهِمْ
أَنفُسَهُمْ وَنَجَّ عَلَيْهِمُ الْوَارِثِينَ) . (3) يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ! يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ! (4) حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا . (حَاجَاتِ خُودِ رَا ذَكَرْ نَمَايِيدِ)
فَاشْفَعْ لِي فِي (5) نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، لِعَلَّمِي أَنْ لَكَ (6) عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةٌ مَقْبُولَةٌ ، وَمَقَامًا مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ (7)

ص: 43

- 1- و یاران و یاوران تو را بسیار گرداند ، و وفا کند به آن وعده فتح و پیروزی که به تو داده ، زیرا او
- 2- راست گوترین گویندگان است ، که فرموده: «و می خواهم منت نهیم بر آنان که مستضعف شده اند
- 3- بر روی زمین و آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم ، و بگردانیم آنان را وارثان روی زمین» ،
- 4- ای سرور من . ای صاحب الزمان! ای فرزند رسول خدا!
- 5- حاجت من چنین و چنان است. پس شفاعت کن برایم در
- 6- برآمدن حاجات ، زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده ام ، زیرا می دانم که شفاعت تو
- 7- به درگاه خدا پذیرفته می شود ، و دارای مقام ارزشمندی هستی ، سوگند می دهم به حق آن که

اِخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ وَأَرْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ (1) عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ ، سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي ، (2) وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي ، وَكَشْفِ كُرْبَتِي . (پس هر چه می خواهی از خدا بخواه) (3) مرحوم محدث قمی در کتاب مفاتیح الجنان بعد از نقل این استغاثه، می فرماید: بهتر آن است که در رکعت اول نماز این استغاثه، بعد از سوره حمد، سوره فتح «إِنَّا فَتَحْنَا» و در رکعت دوم، سوره نصر «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» خوانده شود.

ص: 44

-
- 1- شما را به امر خلافت اختصاص داد، و برگزید بر اسرار خود، و به حق مقام و منزلتی که شما
 - 2- در نزد خدا، میان خود و او دارید، سوگند می دهم که از خدای تعالی بخواهی که حاجاتم را بر آورد،
 - 3- و دعایم را اجابت فرماید، و غم و اندوهم را برطرف نماید.

بر هر شیعه و دوست مخلص حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه سزاوار است که همه روزه با مولا و آقای خود، میثاق و بیعت خود را تازه گردانند؛ زیرا بعد از این که یقین کردی و دانستی که همیشه در محضر امام خود حضور داری و آن بزرگوار از تمام امورات تو آگاه است و آنی از تو غفلت ندارد، وظیفه ات این است که به هر وسیله ممکن خدمت نمایی و قلبی و لسانی، جانی و مالی شرط بندگی را به جا آوری. ملتزم بودن به خواندن دعای عهد، هر روز صبح، البته از روی صدق و اخلاص و حضور قلب بیانگر این معناست.

سید بن طاوس و کفعمی و دیگران در مصابیح و کتب معتبره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که آن حضرت فرموده اند: هرکس چهل صبح (از روی اخلاص) خدا را با این عهد (دعا) بخواند، از یاوران حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - می شود. و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد و آن حضرت را درک نکند، خداوند متعال او را زنده کند و از قبرش بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد. و حق تعالی به عدد هر کلمه ای، هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند، و آن عهد این است:

ص: 45

أَللَّ-هُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ، (1) وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ (2) وَالرَّبَّورِ ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ ، وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ (3) الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. (4) أَللَّ-هُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبُنُورِ وَجْهِكَ (5) الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ (6) بِاسْمِكَ الَّذِي أَسْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ ، (7)

ص: 46

- 1- بار الها! ای پروردگار روشنی بزرگ ، و پروردگار سریر بلند
- 2- و پروردگار دریای جوشان ، و فرو فرستنده کتاب تورات و انجیل
- 3- و زبور ، و پروردگار سایه و آفتاب داغ ، و فرو فرستنده قرآن
- 4- بزرگ ، و پروردگار فرشتگان نزدیک درگاه خدا و پیامبران و فرستادگان .
- 5- خدایا! از تو می خواهم به حق ذات بزرگوارت ، و به حق نور جمال
- 6- تابانت و فرمانروایی دیرینه ات ، ای زنده ، ای پاینده ! از تو می خواهم
- 7- به حق آن نامت که روشن شد بدان آسمان ها و زمین ها ،

وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصُ-لَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، (1) يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، (2) وَيَا حَيًّا-ا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي-يَ الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ (3) الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . أَلَلَّ-هُمَّ بَلَّ-عُ مَوْلَانَا (4) الْإِمَامَ الْهَادِيَّ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (5) وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (6) فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، (7)

ص: 47

- 1- و به حق آن نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان و پسینیان ،
- 2- ای زنده پیش از هر موجود زنده ای ، و ای زنده پس از هر موجود زنده ای ،
- 3- و ای زنده در آن هنگام که زنده ای وجود نداشت ، ای زنده کننده مردگان و ای میراننده
- 4- زندگان ، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست . خدایا ! برسان به مولای ما
- 5- آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که درودهای خدا بر او
- 6- و پدران پاکش باد - ، از طرف همه مردان و زنان با ایمان
- 7- در مشرق های زمین و مغرب های آن ، هموار آن و کوهش ،

وَبَرَّهَا وَبَحْرَهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ (1) زَنَّهُ عَ - زُشِ اللَّهُ وَمِدَادَ كُلِّ - مَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاةَ عِلِّ - مُهُ، (2) وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ . أَلَلَّ - هُمَّ
إِنِّي أُجْ - دَّدْ لَهُ فِي صَبِيحِهِ (3) يَوْمِي هَذَا، وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَه - دَا وَعَقَى - دَا (4) وَبَيْعَهُ لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا، وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا . (5)
أَلَلَّ - هُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ (6) وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيَّ - وَفِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَلِينَ (7)

ص: 48

- 1- خشکی آن و دریایش، و از طرف من و پدر و مادرم درودهایی
- 2- هموزن عرش خدا و شماره سخنان او، و آنچه را شمارش کرده دانشش،
- 3- و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد. خدایا من تجدید و تازه می کنم در بامداد
- 4- این روز، و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر، عهد و پیمان
- 5- و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرپیچی نکنم، و دست نکشم هرگز.
- 6-، خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او،
- 7- و شتابندگان به سوی او در برآوردن خواسته هایش، و انجام دهندگان

لَا يَوْمِيرُهُ وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ، وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، (1) وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ . أَلَلَّ-هُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ (2) الْم-وُتَّ الَّذِي جَعَلَ-ل-تَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتًّا-مَا مَقْضِي-يَا، (3)، فَأَخ-رَجْنِي مِنْ قَبْرِ-رِي مُؤْتَرًا كَفَنِي، شَاهِرًا س-يَفِي، (4) مُجَرِّدَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي. (5) أَلَلَّ-هُمَّ أَرِنِي الطَّل-عَةَ الرَّشِ-يَدَهُ وَ الْغُ-زَةَ الْحَم-يَدَهُ، (6) وَ أَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَ عَجَّ-لُ فَرْجَهُ، (7)

ص: 49

- 1- به دستورات و اوامرش و حمایت کنندگان از آن حضرت ، و پیشی گیرندگان به سوی خواسته اش ،
- 2- و شهادت یافتگان پیش رویش . خدایا اگر فاصله افتد میان من و او
- 3- آن مرگی که قرار داده ای آن را بر بندگان حتمی و مقرر
- 4- پس بیرون آور مرا از گورم در حالی که کفن به خود پیچیده ، با شمشیر آخته ،
- 5- و نیزه برهنه ، پاسخ گویان به فراخوانی آن دعوت کننده بزرگوار در شهر و بیابان .
- 6- خدایا نشان بده به من آن جمال ارجمند و آن دارای پیشانی نورانی پسندیده را ،
- 7- و بکش دیده ام را به سرمه وصال دیدارش به یک نگاه ، و شتاب کن در ظهورش ،

وَسَدَّ هَيْلَ مَخْرَجِهِ، وَأَوْسَعَ مَنَهْجَهُ، وَأَسْلَكَ بِي مَحَجَّتَهُ، (1) وَأَنْفِذَ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَاعْمُرِ اللَّـمَّ-هُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، (2) وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ (3) الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ. (4) فَأَظْهِرِ اللَّـمَّ-هُمَّ لَنَا وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى (5) بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يُظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا (6) مَرْقَهُ، وَيُح-قِّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ. وَاجْعَلْهُ اللَّـمَّ-هُمَّ مَفْرَعًا (7)

ص: 50

- 1- و آسان گردان خروجش را، و بگستران راهش را، و مرا به راه او در آور،
- 2- و دستورش را نافذ گردان، و پشتش را محکم کن، و آباد گردان خدایا به دست او شهرهایت را،
- 3- و زنده گردان به وسیله اش بندگان را، زیرا تو فرمودی و گفته ات عین حقیقت است، آشکار شد
- 4- تبه کاری در خشکی و دریا به خاطر کرده های مردم.
- 5- پس آشکار کن خدایا برای ما نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همانم
- 6- فرستاده توست، تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آن که
- 7- از هم بدراند، و پابرجا کند حق را و ثابت کند آن را، و قرار بده آن بزرگوار را خدایا پناه گاه

لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ، وَنَاصِرٍ رَا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، (1)، وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ ، وَ مُسَدِّدًا لِمَا (2) وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ (3) وَآلِهِ . وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ . (4) اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ (5) ، وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ ، وَ از حَمِ اسْتِكَانَتِنَا بَعْدَهُ . (6) أَللَّ- هُمْ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ- بِحُضُورِهِ ، (7)

ص: 51

- 1- ستمدیدگان بندگانست ، و یاور کسی که جز تو یآوری برایش یافت نشود
- 2- و تازه کننده آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده ، و محکم کننده آنچه
- 3- رسیده از نشانه های دین و آیینت و دستورات پیامبرت - که درود خداوند بر او
- 4- و آتش باد - ، و قرارش ده خدایا از آنان که نگاهش داری از صولت و حمله زورگویان .
- 5- خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد - که درود خداوند بر او و آتش باد - را به دیدارش
- 6- و نیز هرکه در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد ، و رحم کن بر بیچارگی ما پس از آن حضرت .
- 7- خدایا برطرف کن این اندوه را از این امت به حضور امام زمان ،

وَعَجَّ لَنَا ظُهُورُهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَرَأَاهُ قَرِيبًا (1) بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس سه مرتبه بر ران راست زده و می گویی:

(2) الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.

(3)

ص: 52

1-، و شتاب کن برای ما در ظهورش، که آنان پندارند ظهورش را دور ولی ما آن را نزدیک می دانیم،

2- به مهت ای مهربان ترین مهربانان.

3- بشتاب، بشتاب! ای سرور من! ای صاحب الزمان!

اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيْقَ الطَّاعَةِ ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ ، (1) وَصِدْقَ النَّيِّبِ ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ ، وَ اَكْرِمْنَا بِالْهَدْيِ (2) وَ الْاِسْتِثْقَامَةِ ، وَ سَدِّدْ
الْيَدَيْنَتَيْنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ ، (3) وَ اُمَّ-لَا قُلُوْبِنَا بِالْعِلْمِ-مِ وَ الْمَعْرِفَةِ ، وَ طَهِّرْ-زُبُوْنِنَا (4) مِنْ الْاَحْ-رَامِ وَ الشُّبْ-هَةِ ، وَ اَكْفُفْ اَيْدِيْنَا عَنِ
الظُّ-لْمِ (5) وَ السَّرِقَةِ ، وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُوْرِ وَ الْخِيَانَةِ ، (6) وَ اسْدُدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغَيْبَةِ ، وَ تَقْصِّلْ عَلَيَّ (7)

ص: 53

- 1- بار الها! روزی ما کن کامیابی بر فرمان برداری را ، و دوری از گناه را ،
- 2- و راستی در نیت را ، و شناختن آنچه حرمتش لازم است ، و گرامی دار ما را به وسیله راهنمایی
- 3- و پایداری ، و استوار کن زبان های ما را به درست گویی و فرزاندگی ،
- 4- و لبریز گردان دل های ما را از دانش و شناخت خود ، و پاک کن اندرون ما را
- 5- از غذاهای حرام و شبهه ناک ، و بازدار دست های ما را از ستم
- 6- و دزدی ، و بیپوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت ،
- 7- و ببند گوش های ما را از شنیدن سخنان بیهوده و عیب جوئی دیگران ، و نیکویی کن بر

عَلَّمَ-آئ-نَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ-حِهْ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ (1) بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ (2) وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى
الْمُسْلِمِينَ بِالشَّفِّ-آءِ (3) وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى (4) مَشَائِخِ-نَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ (5)
بِالِإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيِّ-آءِ وَالْعِفَّةِ-وِ، (6) وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ (7)

ص: 54

- 1- دانشمندان ما به پارسایی و خیرخواهی کردن، و بر دانش آموزان
- 2- به کوشش و اشتیاق، و بر شنوندگان به پیروی کردن
- 3- و پند گرفتن، و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن
- 4- و آسودگی، و بر مردگان آن ها به دلسوزی و مهربانی کردن، و بر
- 5- پیران ما به وقار و آرامش، و بر جوانان
- 6- به پشیمانی و توبه، و بر زنان به شرم و پاک دامنی،
- 7- و بر توانگران به فروتنی و بخشش کردن، و بر مستمندان

بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ ، وَعَلَى الْغُزَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ (1) وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ (2) بِالْعِزِّ وَالشَّفَقِ-ق-ه ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ-ه بِالْإِنصافِ-اف (3) وَحُسْنِ-نِ السِّيَرَةِ-رَه ، وَبَارِكْ لِلْحَجِّ-اجِ وَالزُّوَارِ فِي (4) الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ ، وَاقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ (5) وَالْعُمْرَةِ-رَه ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (6)

ص: 55

-
- 1- ، به شکیبایی و قناعت ، و بر جنگجویان به یاری و پیروزی ،
 - 2- و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی ، و بر زمامداران
 - 3- به دادگری و دلسوزی ، و بر ملت به انصاف در کارها
 - 4- و خوش رفتاری ، و برکت ده برای حاجیان و زیارت کنندگان در
 - 5- توشه و خرجی راه ، و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از اعمال حج
 - 6- و عمره ، به وسیله احسان و مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان !

این زیارت علاوه بر این که توسّلی گرانقدر به امام زمان علیه السلام است، مضامین عالیّه آن، حاکی از تجدید عهد نمودن به وحدانیت خدای عزّوجلّ و نبوت خاتم انبیاء و ولایت ائمه هدی علیهم السلام و اقرار بر ضروریات مذهب شیعه است. عرض عقاید نمودن در هر روز، گذشته از مستحب بودن، فواید فراوانی دارد که از آن جمله این است که بدین وسیله و طریق، تقرب به ذات الهی حاصل شده و از بسیاری از گمراهی ها و کج رویهای عملی و اعتقادی مصونیت حاصل می شود.

شیخ طبرسی در کتاب احتجاج فرموده است که از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل شده که از ناحیه مقدّسه فرمان حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه به سوی او بیرون آمد که: چون خواهید توجه کنید به وسیله ما به سوی خدای تعالی و به سوی ما، پس بگویید چنان که خدای تعالی فرموده:

ص: 56

سَلامٌ عَلَی آلِ یس، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا دَاعِیَ اللّهِ (1) وَرَبَّانِیَ آیَاتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا بَابَ اللّهِ وَدِیَانَ (2) دِیْنِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا خَلِیْفَةَ اللّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ، (3) اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّهِ وَ دَلِیْلَ اِرَادَتِهِ، اَلسَّلَامُ (4) عَلَیْکَ یا تَالِیَ کِتَابِ اللّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ (5) فِی اَنَاءِ لَیْلِکَ وَ اطْرَافِ نَهَارِکَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ (6) یا بَقِیَّةَ اللّهِ فِی اَرْضِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا مِیثَاقَ اللّهِ (7)

ص: 57

- 1- درود بر خاندان یاسین ، درود بر تو ای دعوت کننده به خدا
- 2- و آشنا به نشانه هایش ، درود بر تو ای واسطه خدا و سرپرست
- 3- دین او ، درود بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او ،
- 4- درود بر تو ای حجّت خدا و راهنمای اراده اش ، درود
- 5- بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او ، درود بر تو
- 6- در تمام لحظه ها و دقایق شب و سرتاسر روز ، درود بر تو
- 7- ای ذخیره خدا در روی زمین ، درود بر تو ای پیمان محکم خدا

الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّلَهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ - كَ يَا وَعَدَ اللَّهُ (1) الَّذِي صَدَّ مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ (2) وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ - وَبُ، وَ
الْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ (3) وَعَدَا غَيْرَ مَكْدُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ (4) السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ - دُ، أَلَسَّ - لَامٌ عَلَيْكَ حِينَ (5) تَقْرَأُ
وَ تُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَ تَقْنُتُ، (6) السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ (7)

ص: 58

-
- 1- که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد، درود بر تو ای وعده خدا
 - 2- که تضمینش کرده، درود بر تو ای پرچم برافراشته
 - 3-، و دانش ریزان، و فریادرس خلق و رحمت گسترده حق،
 - 4-، آن وعده ای که دروغ پنداشته نشود، درود بر تو هنگامی که به پا می ایستی،
 - 5- درود بر تو هنگامی که می نشینی، درود بر تو هنگامی که (فرامین حق را)
 - 6- می خوانی و تفسیر می کنی، درود بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری،
 - 7- درود بر تو هنگامی که رکوع و سجده به جای می آوری، درود بر تو

حِينَ تَهَلُّ لُ وَتُكَبِّرُ، اَسْلَامُ عَلِيٍّ - كَ حِينَ تَحْمَدُ (1) وَ نَسَّ تَغْفِرُ، اَسَّ - لَامُ عَلِيٍّ - كَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِي، (2) اَسَّ - لَامُ عَلِيٍّ - كَ فِي اللَّيْلِ - لِ اِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ اِذَا (3) تَجَّ - لِي، اَسَّ - لَامُ عَلِيٍّ - كَ اَيْهَ - اِ اِمامُ الْمَأْمُونُ (4) اَسَّ - لَامُ عَلِيٍّ - كَ اَيْهَ - اِ اِلمَقَّ - دَمُ الْمَأْمُولُ، اَسْلَامُ (5) عَلِيٍّ - كَ بَجَّ - وَاِمَّ - عِ السَّلَامِ . اَشْهَ - ذُكَ يَا مَوْلَايَ (6) اَيْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ (7)

ص: 59

- 1- هنگامی که لا اله الا الله و الله اکبر می گویی، درود بر تو هنگامی که خدا را ستایش می کنی
- 2- و از او آمرزش می خواهی، درود بر تو هنگامی که صبح می کنی و به شب می رسانی
- 3- درود بر تو در شب هنگامی که تاریکی اش فرا گیرد، و در روز هنگامی که
- 4-، پرده برگردد، درود بر تو ای امام امین و محفوظ،
- 5- درود بر تو ای پیشی گرفته (بر همه خلق و) مورد آرزوی (آنان)، درود
- 6- بر تو با همه درودها . گواه گیرم تو را ای سرور من
- 7-، که من گواهی می دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد،

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، (1) وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّ-تُهُ (2) وَالْحَسَنَ حُجَّ-تُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّ-تُهُ، وَ عَلِيَّ بْنَ (3) الْحُسَيْنِ حُجَّ-تُهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّ-تُهُ (4) وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، (5) وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، (6) وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ. (7)

ص: 60

- 1- و نیز (گواهی می دهم که) محمد بنده و رسول اوست و محبوبی نیست جز او و خاندانش ،
- 2- ، و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است ،
- 3- و حسن حجت اوست ، و حسین حجت اوست ، و علی فرزند
- 4- ، حسین حجت اوست ، و محمد فرزند علی حجت اوست ،
- 5- و جعفر فرزند محمد حجت اوست ، و موسی فرزند جعفر حجت اوست ،
- 6- و علی فرزند موسی حجت اوست ، و محمد فرزند علی حجت اوست ،
- 7- و علی فرزند محمد حجت اوست ، و حسن فرزند علی حجت اوست .

وَأَشَدُّ هُدًى لَكَ حُجَّةُ اللَّهِ . أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ (1) وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقًّا لِرَبِّ فِيهَا ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا (2) إِيْمَانُهَا ، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي (3) إِيْمَانِهَا خَيْرًا ، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقًّا ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا (4) حَقًّا ، وَأَنَّ الشَّرَّ حَقًّا ، وَالْبُعْثَ حَقًّا (5) وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقًّا ، وَالْمِرْصَادَ حَقًّا ، وَالْمِيزَانَ حَقًّا (6) وَالْحَشْرَ حَقًّا ، وَالْحِسَابَ حَقًّا ، وَالْجَنَّةَ حَقًّا ، وَالنَّارَ (7)

ص: 61

- 1- ، و گواهی می دهد که تو حجت خدایی . شما پدید اول و آخر ،
- 2- و مسلماً بازگشت شما حتمی است و شکی در آن نیست ، روزی که سود ندهد کسی را
- 3- ایمانش ، که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت) ایمان خویش
- 4- کار خیری انجام نداده ، و اینکه مرگ حق است ، و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر)
- 5- ، حق است . و گواهی دهد که زنده شدن پس از مرگ حق است ، و برانگیخته شدن حق است ،
- 6- ، و اینکه پل صراط حق است ، و کمین گاه حق است ، و ترازوی حسابرسی حق است ،
- 7- و محشور شدن حق است ، و حساب کشیدن حق است ، و بهشت حق است ، و دوزخ

حَقٌّ، وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ . يَا مَوْلَايَ ! شَقِيَّ (1) مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعَدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا (2) أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ ، وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ (3) فَالْحَقُّ مَا رَضِيَ يَتْمُوهُ ، وَ الْبَاطِلُ مَا أَسَخَّ-طُتُمْ-وَهُ (4) وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ ، وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ (5) فَانْفَسِي مُؤْمِنَهُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ بِرَسُولِهِ (6) وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ ، (7)

ص: 62

- 1- حق است ، و نوید و تهدید درباره آن دو حق است . ای سرور من ! بدبخت است
- 2- کسی که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند است کسی که از شما پیروی کند ، پس گواهی ده بر
- 3- ، آنچه تو را بر آن گواه گرفتم ، و من دوست تو هستم ، و از دشمنت بیزارم ،
- 4- ، حق آن است که شما پسند کرده اید ، و باطل همان است که شما بدان خشم گرفته اید ،
- 5- ، و کار نیک آن است که شما بدان دستور داده اید ، و کار زشت آن است که از آن نهی کرده اید ،
- 6- من ایمان دارم به خدای یگانه ای که شریک ندارد ، و به فرستاده او
- 7- و به امیر مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان

وَنُصِرْتِي مَعَدَّةَ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمِينَ (1) و بعد از آن، این دعا خوانده شود:

(2) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَعِيْزُ بِكَ اَنْ تَكُنْ لِيْ اَنْ تَصَّ-لِيْ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ-يْ (3) رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُوْرِكَ، وَ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِيْ نُوْرَ الْيَقِيْنِ، (4) وَ صَ-دْرِيْ نُوْرَ الْاِيْمَانِ، وَ فِكْرِيْ نُوْرَ النَّبِيِّ-اَتِ (5) وَ عَزْمِيْ نُوْرَ الْعِلْمِ، وَ قُوَّتِيْ نُوْرَ الْعَمَلِ، وَ لِسَانِيْ (6) نُوْرَ الصِّ-دْقِ، وَ دِيْنِيْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ (7)

ص: 63

1- و یاری ام برای شما آماده است ، و دوستی ام برای شما خالص و پاک است ، بر آورده کن آمین.

2- خواسته ام را ، آمین.

3- خدایا از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد ، پیامبر

4- رحمتت و کلمه نورت ، و آنکه پر کنی دل مرا با نور یقین ،

5- ، و سینه ام را با نور ایمان ، و اندیشه ام را با نور تصمیم ها ،

6- و اراده ام را با نور علم ، و نیرویم را با نور عمل ، و زبانم را

7- ، با نور راست گویی ، و دین و مذهبم را با نور بینایی هایی از نزد خودت ،

وَبَصَرَ نُورَ الصَّيَاءِ ، وَ سَمَّ-عَى نُورَ الْحِكْمَةِ (1) وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُؤَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (2) حَتَّى الْفَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ
مِيثَاقِكَ ، فَتُعَشِّيَنِي (3) رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيَّ يَا حَمِيدُ . اَللَّ-هُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (4) حُجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ ، وَالدَّاعِي (5)
إِلَى سَبِيلِكَ ، وَ الْقَائِمِ بِقِسْ-طِكَ وَ الثَّ-آئِرِ بِأَمْرِ-رِكَ (6) وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ ، وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ (7)

ص: 64

- 1- ، و چشمم را با نور روشنایی ، و گوشم را با نور فرزانهگی و حکمت ،
- 2- و دوستی ام را با نور موالات بر محمد و خاندانش - که درود خداوند بر آنان باد -
- 3- تا تو را دیدار کنم ، و من به عهد و پیمان تو وفا کردم ، پس بیوشان بر من
- 4- رحمت خود را ای سرپرست و ای ستوده . خدایا درود فرست بر محمد
- 5- حجت تو در روی زمینت و جانشین تو در شهرهایت ، و دعوت کننده
- 6- ، به سوی راهت ، و قیام کننده به عدل و دادت ، و انقلاب کننده به دستورت ،
- 7- دوست مؤمنان و نابود کننده کافران ، و برطرف کننده تاریکی

وَأَمْنِي - رِ الْحَقِّ ، وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ (1) وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ - وَ فِي أَرْضِكَ ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ (2) وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، سَفِينَةِ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدَى ، (3) وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى ، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ اذْتَدَى (4) وَ مُجَلِّي الْعَمَى ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا (5) كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (6) أَلَلَّ - هُمْ صَلَّ عَلَى وَلِيٍّ - يَكُ وَ ابْنِ أَوْلِيَاءِكَ ، الَّذِينَ (7)

ص: 65

- 1- ، و روشن کننده حق ، و گوینده به حکمت و راستی ،
- 2- ، و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین ، که در حال انتظار و هراس به سر برد ،
- 3- و آن سرپرست خیرخواه ، و کشتی نجات و پرچم هدایت ،
- 4- ، و روشنی دیدگان مردم ، و بهترین کسی که جامه و ردا به بر کرد ،
- 5- و زداینده گمراهی ، آن کس که پر کند زمین را از عدل و داد ،
- 6- . چنان که پر شده باشد از ستم و بیدادگری ، که به راستی تو بر هر چیز توانایی .
- 7- خدایا درود فرست بر بنده مقرب درگاهت و فرزند بندگان مقربیت ، آنان که

فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ (1) الرَّجْسَ، وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا. أَللَّ-هُمَّ انصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ (2) بِهِ لِذِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ
أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ (3) وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. أَللَّ-هُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ (4) بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ
(5) بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، (6) وَأَخ-رُسُوهُ وَأَمْن-عُهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ (7)

ص: 66

- 1- واجب کردی فرمان برداریشان را، و واجب گرداندی حَقشان را، و دور کردی از ایشان
- 2- پلیدی را، و به خوبی پاکیزه شان کردی. خدایا یاری اش کن و یاری کن
- 3- به دست او دینت را، و یاری کن به وسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان
- 4- و یاورانش را، و ما را نیز از آنان قرار ده. خدایا پناهش ده از شر هر
- 5- متجاوز و سرکشی، و از شر همه آفریده هایت، و نگاهش بدار از
- 6- پیش رویش و از پشت سرش، و از سمت راستش و از طرف چپش،
- 7-، و پاسداری اش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو برسد، و (شوکت و عزت)

وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ ، وَ اَظْهَرُ بِهِ (1) الْعَدْلَ ، وَ اَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ ، وَ اَنْصُرْ ناصِرِيهِ ، وَ اخْذُلْ (2) خَاذِلِيهِ ، وَ اَقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ اَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، (3) وَ اَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، (4) حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا ، بَرَّهَا (5) وَ بَحْرَهَا ، وَ اَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَ اَظْهَرُ بِهِ دِينَ (6) نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . وَ اجْعَلْنِي اللَّـهُمَّ مِنْ (7)

ص: 67

- 1- رسول و خاندان رسولت را در (وجود) او حفظ فرما ، و آشکار (یا پیروز) گردان به دست او
- 2- عدل و داد را ، و با یاری ات کمکش کن ، و یاورانش را نیز یاری کن ، و خوار گردان هر که دست
- 3- از یاری اش بردارد ، و درهم شکن شکننده اش را و بشکن بدست او قدرت و شوکت کافران را
- 4- و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاکت افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان
- 5- ستیزه جو را در هر جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی
- 6- و چه در دریا ، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین
- 7- پیامبرت را - که درود خداوند بر او و آتش باد - ، و قرار ده خدایا مرا نیز از

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ ، وَاتَّبَاعِهِ وَشَيْعَتِهِ . وَارِنِي فِي (1) آلِ مُحَمَّدٍ - عَلِيٍّ - هَيْمِ السَّ - لَائِمِ م - أَيَّامِ - لُونِ ، وَفِي (2) عَدُوِّهِمْ مَا يَحْدَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ
آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ (3) وَالْإِكْرَامِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

(4)

ص: 68

-
- 1- یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش و به من بنما در مورد
 - 2- آل محمد علیهم السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد
 - 3- دشمنشان آنچه از آن می ترسند ، مستجاب گردان ای معبود حق و ای صاحب جلالت
 - 4- و بزرگواری ای مهربان ترین مهربانان.

دعای توسل (مرحوم علامه مجلسی)

مرحوم علامه مجلسی فرموده: در بعضی از کتب معتبره از محمد بن بابویه نقل شده که این دعای توسل را از ائمه روایت کرده و فرموده است: این دعا را در هیچ امری نخواندم مگر آن که اثر اجابت را به زودی یافتم.

اللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَعِيْنُكَ وَ اَتُوْجِّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ - (1) الرَّحْمَه ، مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ . يَا اَبَا الْقَاسِمِ (2) يَا رَسُوْلَ اللهِ ، يَا اِمَامَ الرَّحْمَه ، يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا (3) اِنَّا تُوْجِّعُ - هُنَا وَ اَسْتَشِيْشُ - فَعْنَا وَ تُوْسُّ - لَنَا بِكَ اِلَى اللهِ (4) وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا (5) يَا وَجِيْهًا عِنْدَ اللهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ .

(6)

ص: 69

- 1- خدایا! از تو می خواهم و به سویت رو می کنم به وسیله پیامبرت ، پیامبر
- 2- رحمت ، محمد - که درود خداوند بر او و آتش باد - ای ابوالقاسم
- 3- ، ای رسول خدا ، ای پیشوای رحمت ، ای آقای ما و سرور ما ،
- 4- ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا ،
- 5- ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .
- 6- ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین یا علی بن ابیطالب (1) یا حجّه الله علّی حلّ فیه، یا سئی دنا و م-ولانا (2) انا توجّج-هنا و استشّش-فَعنا و تَوَسَّ-لنا بک اِلّی الله (3) و قدّمناک بین یدّی حاجتنا، (4) یا و جیها عند الله، اشفّع لنا عند الله .

(5) (6) یا فاطمه الزهراء یا بنت محمد یافره عین الرسول (7) یا سئی دتنا و م-ولانتنا، ان-ا توجّج-هنا و استشّش-فَعنا (8)

ص: 70

1- ای ابالحسن، ای امیر مؤمنان، ای علی فرزند ابی طالب،

2-، ای حجّت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما،

3-، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا،

4- و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .

5- ای آبرومند در نزد خدا،

6- شفاعت کن برای ما نزد خدا .

7- ای فاطمه زهرا، ای دختر محمد، ای نور چشم پیغمبر،

8- ای بانوی ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَتِنَا. (1) يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (2). (3). يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ (4) رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا (5) إِنَّا تَوَجَّحْنَا وَاسْتَشْنَا -فَعُنَا وَتَوَسَّسْنَا- لُنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، (6) وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَتِنَا. (7) يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (8)

ص: 71

- 1- و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا، و قرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 2- ای آبرومند در نزد خدا،
- 3- شفاعت کن برای ما نزد خدا
- 4- ای ابامحمد، ای حسن فرزند علی، ای برگزیده، ای فرزند
- 5- رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما،
- 6- ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا،
- 7- و قرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 8- ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

يا اَباعْبِدِ اللّٰهَ يا حُسَيْنَ بَنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بَنَ (1) رَسُوْلِ اللّٰهِ ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا وَمَوْلانا (2) اِنَّا تَوَجَّحْنَا هُنَا وَاسْتَشْتَشْنَا فَعَنَّا وَ
تَوَسَّسْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ (3) وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا . (4) يا وَجِيها عِنْدَ اللّٰهِ ، اِسْتَفْعَلْنَا عِنْدَ اللّٰهِ . (5) يا اَباالحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ الحُسَيْنِ ، يا
رَبِّنا الْعابِدِينَ (6) ، يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا (7)

ص: 72

-
- 1- ای ابا عبدالله، ای حسین فرزند علی، ای شهید (راه حق)، ای فرزند
 - 2- رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما،
 - 3- ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا،
 - 4- و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .
 - 5- ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا .
 - 6- ای اباالحسن، ای علی فرزند حسین، ای زیور پرستش کنندگان
 - 7- ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما

وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّحْنَا وَهْنَا وَاسْتَشْنَا -فَعْنَا وَتَوَسَّ -لَنَا بِكَ (1) إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا. (2) يَا وَجِهَا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (3) يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِي -رُيَا بِنَ (4) رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا (5) إِنَّا تَوَجَّحْنَا وَهْنَا وَاسْتَشْنَا -فَعْنَا وَتَوَسَّ -لَنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ (6) وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا. (7)

ص: 73

- 1- و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو
- 2- به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .
- 3- ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 4- ای اباجعفر ، ای محمد فرزند علی ، ای شکافنده علوم ، ای فرزند
- 5- رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ،
- 6- ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ،
- 7- و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .

يا وَجِيها عِنْدَ اللّٰهِ ، اِسْتَفْعَ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ . (1) (2) يا ابا عَبْدِ اللّٰهِ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، اَيُّهَا الصّٰدِقُ يَا بْنَ (3) رَسُوْلِ اللّٰهِ ، يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا وَمَوْلانا (4) اِذَا تَوَجَّحْ-هُنَا وَاسْتَشْ-فَعْنَا وَتَوَسَّلْ-لَنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ (5) وَ قَدَّمَناكَ بَيْنَ يَدَيِ حاجاتِنَا . (6) يا وَجِيها عِنْدَ اللّٰهِ ، اِسْتَفْعَ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ . (7) . (8) يا ابا الحسنِ يا مُوسى بْنَ جَعْفَرَ ، اَيُّهَا الكَاطِمُ يَا بْنَ (9)

ص: 74

- 1- ای آبرومند در نزد خدا ،
- 2- شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 3- ای اباعبدالله ، ای جعفر فرزند محمد ، ای (امام) صادق ، ای فرزند
- 4- رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ،
- 5- ، ما رو آورديم و شفيع گرفتيم و توسل جستيم به وسيله تو به درگاه خدا ،
- 6- و قرار داديم تو را مقابل حاجت هايماں .
- 7- ای آبرومند در نزد خدا ،
- 8- شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 9- ای ابالحسن ، ای موسی فرزند جعفر ، ای کاظم ، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا (1) إِذَا تَوَجَّحْنَا - هُنَا وَاسْتَشَّ - فَعْنَا وَتَوَسَّ - لَنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ (2)، وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا. (3) يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (4) اَبْرُومَنْدُ دَرِ نَزْدِ خُدَا، (5) يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، اَيْهَا الرِّضَا يَا بَنَ اِي اَبَا الْحَسَنِ. (6) رَسُوْلُ اللّٰهِ، يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا (7) اِنَّا تَوَجَّحْنَا - هُنَا وَاسْتَشَّ - فَعْنَا وَتَوَسَّ - لَنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ (8)

ص: 75

- 1- رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما،
- 2-، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا
- 3- و قرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 4- ای
- 5- شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 6-، ای علی فرزند موسی، ای (حضرت) رضا، ای فرزند
- 7- رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما،
- 8-، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله توبه درگاه خدا،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا. (1) يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

(2) يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا النَّقِيُّ - يُابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا (5) وَمَوْلَانَا، إِنَّا نَوَجِّعُ-هْنَا وَاسْتَشِسْ-فَعْنَا وَتَوَسَّ-لْنَا بِكَ (6) إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا. (7) يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (8)

ص: 76

- 1- وقرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 2- ای آبرومند در نزد خدا،
- 3- شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 4- ای اباجعفر، ای محمد فرزند علی، ای حضرت تقی جواد،
- 5- ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما
- 6- و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو
- 7- به درگاه خدا، وقرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 8- ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ اى اباالحسن (1) يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا (2) وَ مَوْلانا ، اِنَّا
تَوَجَّحْنَا وَ اسْتَشَّحْنَا - فَعَنَّا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ (3) وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا . (4) يا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْتَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . (5) يا اَبامُحَمَّدٍ يا حَسَنَ
بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ (6) يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنَا (7)

ص: 77

1- ، اى على فرزند محمد ، اى حضرت هادی نقی ،

2- اى فرزند رسول خدا ، اى حجت خدا بر خلق ، اى آقای ما

3- و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اَلَى اللَّهِ ،

4- به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .

5- اى آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

6- اى ابا محمد ، اى حسن فرزند علی ، اى زکی عسکری ،

7- اى فرزند رسول خدا ، اى حجت خدا بر خلق ، اى آقای ما

وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّحْنَا وَاسْتَشْشْنَا - فَعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ (1) إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا. (2) يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ (3). يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْحَلِيفَ الْحُجَّجَةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ (4) الْمُؤْتَمَرُ - دِيُّ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ (5) عَلِيَّ - خَلْقِي - هِ، يَا سَيِّدَنِي - وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّحْنَا - هُنَا (6) وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ (7)

ص: 78

- 1- و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو
- 2- به درگاه خدا، و قرار دادیم تورا مقابل حاجت هایمان .
- 3- ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا .
- 4- ای وصی امام حسن عسکری و یادگار شایسته و حجّت، ای امام قائم
- 5- منتظر مهدی، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا
- 6- بر خلق، ای آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم
- 7- و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا، و قرار دادیم تورا پیش

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا. (1) يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (2) پس حاجات خود را بطلبد که برآورده می شود إن شاء الله.

و در روایت دیگر وارد شده: که بعد از این بگوید:

يَا سَادَتِ-يَ وَ مَوَالِ-يَ! اِنِّي تَوَجَّ-هْتُ بِكُمْ اِئِمَّ-تِي (3) وَ عُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَ حَاجَتِي اِلَى اللَّهِ، وَ تَوَسَّلْتُ (4) بِكُمْ اِلَى اللَّهِ، وَ اِسْتَشَفَعْتُ بِكُمْ اِلَى اللَّهِ، فَاسْتَفْعُوا (5) لِي عِنْدَ اللَّهِ، وَ اِسْت-نْقِ-ذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ (6)

ص: 79

1- روی حاجت های خویش .

2- ای ابرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

3- ای آقایان من و سرورانم ! من رو آوردم به وسیله شما پیشوایانم

4- و ذخیرگانم در روز نداری و نیازمندی به درگاه خدا، و توسل جستم

5- بوسیله شما به درگاه خدا، و شفاعت جوئی کردم بوسیله شما به درگاه خدا، پس شفاعت کنید

6-، برای من در پیشگاه خدا، و از او بخواهید مرا از گناهانم نجات دهد،

فَأَنْتُمْ وَسِيَلَتِي إِلَى اللَّهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَزْجُو (1) نَجَاةً مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي. يَا سَادَتِي (2) يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَلَعَنَ اللَّهُ (3) أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِينَ - يَهُمُّ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (4) آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (5)

ص: 80

-
- 1- زیرا شما امید وسیله من به درگاه خدا، و به وسیله دوستی و قرب به شما امید نجات
 - 2- دارم از سوی خدا، پس شما هم تکیه گاه و مایه امید من به درگاه خدا باشید. ای آقایان من
 - 3- ای اولیای خدا - که درود خدا بر همگی ایشان باد -، و خدا از رحمت خویش دور کند
 - 4-، دشمنان خدا ستم کنندگان به اولیای خدا را، چه آن ها که گذشته اند و چه آن ها که پس از این آیند،
 - 5- اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

زائر گرامی:

اکنون که با عنایت امام زمان علیه السلام، توفیق یافته ای لحظاتی را در میعادگاه عاشقان بقیه الله علیه السلام با آن محبوب دل ها خلوتی داشته باشی، شکرانه این نعمت را به پای دار و غافل از این نکات مباحث:

1 - آن سرور عزیز و مولای مهربان، همیشه و در همه حال به یاد ما می باشد (1) آیا سزاوار است شب و روزی بر ما بگذرد بی آن که یادی از آن یوسف گم گشته بنماییم؟! بیاید حداقل به اندازه مسافری که مراجعتش به تأخیر افتاده، به یاد او باشیم.

2 - او از رعایت حال شیعیان و دوستانش دمی غفلت نمی ورزد و همانند پدری مهربان و خیراندیش همواره در فکر این است که فرزندانش روز به روز قدمی به سوی کمالات و معنویات بردارند، از این رو دعای خیر خویش را همیشه بدرقه آنان می سازد، آیا سزاوار است ما آن دل مهربان و مملو از لطف را با اعمال و کردار ناشایست

ص: 81

1- «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِيَذْكُرْكُمْ...»؛ ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم. بحار الانوار، ج 53، ص 175.

بیازاریم؟ مگر نه این است که ما گاهی از حضور یک کودک پنج شش ساله حیا می کنیم و از ارتکاب گناهی در حضور او شرم می نماییم ولی در حضور مهدی علیه السلام...؟! 3- ترک هر گناهی و انجام هر طاعتی، قدمی به سوی آن حضرت است، سعی کنیم روز به روز فاصله خود را با او کمتر کنیم که بین ما و او جز پرده های ظلمانی گناهان، حجابی نیست، آری:

گفتم که روی خوبت از ما چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است 4 - در هر جا که هستیم توسّل به آن حضرت را از یاد نبریم، توسّل به او همیشه برای ما میسر است، همیشه می توان در دل متوجّه به آن حضرت بود و با او راز و نیاز کرد و همراه نمودن توسّلات با ذکر مصایب اجداد طاهرینش و مادر مظلومه اش یکی از بهترین راه های جلب عنایت حضرتش می باشد. آری آن عزیز بیش از هزار سال است که دلی سوزان و چشمی گریان دارد و هر صاحب عزایی به کسانی که با او همدردی کنند و همناله شوند توجّه و عنایتی خاص دارد و در پی تشکر از آنان بر می آید.

و چه نیکو و بجاست که بعد از هر توسّلی، دعا برای فرج او را بر حوایج دیگر مقدم داشت.

5 - هر کس عبادات و اعمال مستحبّه خویش را از قبیل صدقه و رفع گرفتاری های مؤمنین و مؤمنات و هرگونه عمل خیری که می تواند انجام دهد (اگرچه کوچک به نظر آید) به نیابت از آن وجود مقدس به جا آورد که این عرض ارادت بی جواب نخواهد ماند و هدیه مور را سلیمان می پذیرد اگرچه ران ملخی باشد.

ای سلیمان موری آمد بر درت رد مکن او را به جان مادرت

مدارک:

(1) نجم الثاقب، ص 299 - 294.

(2) منتهی الآمال ج 2.

(3) العبقری الحسان، ج 1.

(4) مهدی منتظر.

(5) زندگی حاج شیخ محمد تقی بافقی.

(6) بحار الانوار، ج 51.

(7) کتاب احتجاج، ج 2.

ص: 83

- 1 - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلیخط نیریزی / الهی قمشه ای
- 2 - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- 3 - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- 4 - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- 5 - قرآن کریم/وزیری، جیبی، نیم جیبی - خط نیریزی / الهی قمشه ای
- 6 - کلیات مفاتیح الجنان/عربیانتشارات مسجد مقدّس جمکران
- 7 - کلیات مفاتیح الجنان/وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- 8 - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- 9 - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- 10 - نهج البلاغه/وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- 11 - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- 12 - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلامواحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- 13 - آئینه اسرارحسین کریمی قمی
- 14 - آثار گناه در زندگی و راه جبرانعلی اکبر صمدی
- 15 - آخرین پناهمحمدود ترجمی

- 16 - آخرین خورشید پیداواحد تحقیقات
- 17 - آشنایی با چهارده معصوم (1 و 2) / شعر و رنگ آمیز سیّد حمید رضا موسوی
- 18 - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی
- 19 - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش
- 20 - ارتباط با خداواحد تحقیقات
- 21 - از زلال ولایتواحد تحقیقات
- 22 - اسلام شناسی و پاسخ به شبهاتعلی اصغر رضوانی
- 23 - امامت، غیبت، ظهورواحد پژوهش
- 24 - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلامعلم الهدی / واحد تحقیقات
- 25 - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوقسیّد محمد حسین کمالی
- 26 - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف
- 27 - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیانسهراب علوی
- 28 - امام شناسی و پاسخ به شبهاتعلی اصغر رضوانی
- 29 - انتظار بهار و بارانواحد تحقیقات
- 30 - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- 31 - اهمیت اذان و اقامهمحمد محمدی اشتیاردی
- 32 - با اولین امام در آخرین پیامحسین ایرانی
- 33 - بامداد بشریتمحمد جواد مروّجی طبسی
- 34 - بهتر از بهار/ کودکشمسّی (فاطمه) وفائی

- 35 - پرچمدار نینوامحمد محمدی اشتهااردی
- 36 - پرچم هدایتمحمد رضا اکبری
- 37 - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ترورسیم و خشنونت طلبیعلی اصغر رضوانی
- 38 - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داریعلی اصغر رضوانی
- 39 - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت ها و ارتدادعلی اصغر رضوانی
- 40 - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زنعلی اصغر رضوانی
- 41 - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبیعلی اصغر رضوانی
- 42 - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- 43 - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله/ دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- 44 - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/ (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- 45 - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- 46 - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلامسید جعفر میرعظیمی
- 47 - تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری
- 48 - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلامحسین علی پور
- 49 - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلامحسین گنجی
- 50 - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلامسید صادق سیدنژاد
- 51 - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهاحمد سعیدی
- 52 - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولا یتمحمد محمدی اشتهااردی
- 53 - حکمت های جاویدمحمد حسین فهیم نیا

- 54 - ختم سوره های یس و واقعهواحد پژوهش
- 55 - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)عباس حسینی جوهری
- 56 - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)رضا استادی
- 57 - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)محمد علی مجاهدی (پروانه)
- 58 - دار السلامشیر محمد عراقي میثمی
- 59 - داستان هایی از امام زمان علیه السلامحسن ارشاد
- 60 - داغ شقایق (مجموعه اشعار)علی مهدوی
- 61 - در انتظار منجی (روسی)آلمات آسالیگوف
- 62 - در جستجوی نورصافی، سبحانی، کورانی
- 63 - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)شیخ عباس قمی / کمره ای
- 64 - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور)کریم شنی
- 65 - دلشده در حسرت دیدار دوستزهره قزلقاشی
- 66 - دین و آزادیمحمد حسین فهیم نیا
- 67 - رجعت یا حیات دوبارهاحمد علی طاهری ورسی
- 68 - رسول ترکمحمد حسن سیف اللهی
- 69 - روزنه هایی از عالم غیبسید محسن خرازی
- 70 - زیارت ناحیه مقدسهواحد تحقیقات
- 71 - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی
- 72 - سخنرانی مراجع در مسجد جمکرانواحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

- 73 - سرود سرخ انار الهه بهشتی
- 74 - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری
- 75 - سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- 76 - سیاحت غرباً نجفی قوچانی
- 77 - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربیدکتر عبد اللهی
- 78 - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- 79 - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)
- 80 - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائیجی
- 81 - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح
- 82 - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- 83 - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی
- 84 - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی خلیل حسینی
- 85 - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد
- 86 - عطر سیب حامد حجّتی
- 87 - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی
- 88 - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات
- 89 - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان
- 90 - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی
- 91 - غدیر شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

- 92 - فتنه و هایتعلی اصغر رضوانی
- 93 - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام مسید محمد واحدی
- 94 - فرهنگ اخلاقعباس اسماعیلی یزدی
- 95 - فرهنگ تربیتعباس اسماعیلی یزدی
- 96 - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پنخس) حسن صدری
- 97 - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی
- 98 - فریادرسحسن محمودی
- 99 - قصه های تربیتمحمد رضا اکبری
- 100 - کرامات المهدی علیه السلام مواحد تحقیقات
- 101 - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام مواحد تحقیقات
- 102 - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان
- 103 - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- 104 - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- 105 - گفتمان مهدویتآیت الله صافی گلپایگانی
- 106 - گنجینه نور و برکت، ختم صلواتمرحوم حسینی اردکانی
- 107 - مام فضیلت هاعباس اسماعیلی یزدی
- 108 - مشکاه الانوارعلامه مجلسی رحمه الله
- 109 - مفرد مذکر غائبعلی مؤذنی
- 110 - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی

- 111 - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- 112 - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- 113 - منشور نینوامجد حیدری فر
- 114 - موعودشناسی و پاسخ به شبهاتعلی اصغر رضوانی
- 115 - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجاتعزیز الله حیدری
- 116 - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامیاالعمیدی / محبوب القلوب
- 117 - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد 13 بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای
- 118 - مهربان تر از مادر / نوجوانحسن محمودی
- 119 - مهر بیکرانمحمد حسن شاه آبادی
- 120 - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)سید مهدی حائری قزوینی
- 121 - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)واحد تحقیقات
- 122 - نجم الثاقبمیرزا حسین نوری رحمه الله
- 123 - نجم الثاقب(دو جلدی)میرزا حسین نوری رحمه الله
- 124 - ندای ولایتبنیاد غدیر
- 125 - نشانه های ظهور اومحمد خادمی شیرازی
- 126 - نشانه های یار و چکامه انتظارمهدی علیزاده
- 127 - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهاتعلی اصغر رضوانی
- 128 - نماز شواحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- 129 - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلاممحمد رضا اکبری

130 - و آن که دیرتر آمدالهه بهشتی

131 - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهاتعلی اصغر رضوانی

132 - وظایف منتظران واحد تحقیقات

133 - ویژگی های حضرت زینب علیهاالسلامسید نور الدین جزائری

134 - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی)میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

135 - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

136 - یاد مهدی علیه السلاممحمد خادمی شیرازی

137 - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار)محمد حجّتی

138 - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلدعباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی 617، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های 7253700، 7253340 - 0251 تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: 66939083، 66928687 - 021

یزد:

6246489، 6280671-2 - 0351

فریدونکار: 14 - 5664212 - 0122

ص: 95

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

